

الزامات و پیش‌بینی‌های حقوق بین‌الملل برای استقرار مهاجران اقلیمی در مقصد

حسن موثقی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۹/۲۲

چکیده

در کتب معتبر آمده که انسان تعهد وفاداری به خالق را برای لحظه‌ای فراموش کرد و بهشت را که مکانی نورانی و قرب رحمت خداوند بود از دست داد و سفر هبوط را در پیش گرفت اما خالق مهربان او را بخشید و در سرزمینی پاک و دست نخورده‌ای جای داد و به آوارگی او راضی نشد. اما اکنون به دلایل گوناگون برخی از ملل جهان سرزمین خود را ترک کرده و به صورت بی‌خانمان در سراسر قاره‌ها در حال حرکت‌اند که مهاجرت به دلیل تغییرات جهانی آب و هوا از بارزترین مصادیق افزایش مهاجرت‌های گروهی می‌باشد و اسکان مجدد آن‌ها به یک چالش بین‌المللی مبدل شده است. هدف از این تحقیق آشنایی با معضل مهاجرت‌های اقلیمی و ارزیابی کارکرد مقررات حقوق بین‌الملل در اسکان مجدد پناهنجویان اقلیمی است. متدلوژی به کار رفته در این تحقیق روش اسنادی و الگوهای تحلیل ثانوی بوده و در پایان مباحث با استمساک از دستاوردهای موجود، کارآمدی اجرای این تدابیر با روش امکان‌سنجی مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. در نهایت نتایج به دست آمده ثابت می‌کند که کشورهای جهان و جامعه بین‌المللی باید به موضوع اسکان مجدد مهاجران اقلیمی به عنوان یک فرصت و نه یک تهدید نگریند و از رهیافت‌های حقوقی ملایم‌تری در مقایسه با دیگر پناهنجویان بهره‌گیرند تا از رشد تصاعدی میزان آوارگان و مهاجران زیست‌محیطی و بلا تکلیفی حقوقی و عملی آن‌ها جلوگیری کند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، مقررات حقوق بین‌الملل، اسکان مجدد، مهاجران اقلیمی، تدابیر عملیاتی.

مقدمه

دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند که به دلیل تغییرات اقلیمی ناشی از دخالت‌های انسانی که موجب انقراض گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی شده و می‌شود دور جدیدی از نابودی که به نسل ششم انقراض ملقب

شده در حال شروع است و انسان عصر آنتروپوسن^۱ به مانند ویروسی ناشناخته که شبیه آدم فضائی‌های UFO است در حال برهم زدن نظم طبیعی جهان موجود است (زارع، ۱۳۹۶: ۲۲).

خسارت‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی نه تنها به قلمرو سکونتی کشورها وارد خواهد شد بلکه با غرق شدن برخی از سرزمین‌ها در اثر ذوب یخ‌ها و گرمایش زمین، این مناطق غیر قابل سکونت خواهند گردید و مردم ساکن در آن از شهروند مقیم به یک آواره و پناهجو مبدل خواهند شد و موج مهاجرت‌های اجباری در مقیاس چند صد میلیون نفری را شاهد خواهیم بود که کشورهای ذره‌ای و جزیره‌ای در خط مقدم این آسیب‌ها قرار خواهند گرفت (رنجبریان و دیگری، ۱۳۹۱: ۸۳).

البته برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین با این تحولات اکوسیستمی مخرب به عنوان تغییرات کم اهمیت زیست محیطی برخورد می‌کنند نه به عنوان یک فاجعه انسانی. بدین ترتیب دنیایی که آن را می‌شناسیم و در آن زندگی می‌کنیم برای همیشه در حال تغییر منفی و غیر قابل تحمل است و مانند بسیاری از تحولات جوامع انسانی، آوارگی، فقر، بیماری و گرسنگی و فقدان اسکان ثابت و دائمی اولین موج تغییرات اقلیمی در سطح جهان خواهند بود. تغییرات آب و هوا قادر است زندگی انسان‌ها را مختل کرده و با توقف بهره‌مندی از مصادیق حقوق بشر، روند حرکت به سوی توسعه پایدار را کند و متوقف سازند. در این شرایط به طور قطع و یقین انسان متفکر کانت به انسان خودخواه هابز تبدیل خواهد شد و رقابت خشونت‌آمیز برای تصاحب آب، غذا و اسکان، نظم عمومی بین‌المللی را مختل خواهد کرد (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۸۶-۴۸۵). اکنون منبع تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تنها وقوع جنگ نیست بلکه مخاطرات اجتماعی و اقتصادی نظیر فقر و بیماری و تخریب‌های زیست محیطی است که آینده بشریت را تیره و نگران کننده کرده است (بعیدی نژاد و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۰۱). لازم است که همه شکاف‌های حمایتی را که شامل فقدان قوانین راجع به اسکان مجدد، تابعیت، هزینه و دیگر قوانین حمایتی است درباره پناهجویان اقلیمی باز تعریف شوند زیرا ماهیت آوارگی جوی با مفهوم پناهندگی مبتنی بر ترس در روابط بین‌الملل کاملاً متفاوت است (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۶۵)، زیرا در مورد پناهندگان با وقوع آپاتریدی (بدون تابعیتی) می‌توان از «اصل حمایت جایگزین» برای سر و سامان دادن به وضعیت، شخصیت و اهلیت آن‌ها بهره گرفت (همان منبع: ۱۳۰).

بنابراین ترسیم مرز برای تعیین میزان حمایت از پناهندگان و پناهجویان اقلیمی مغایر ارزش‌های طبیعی و فطری انسانی است. هر دو گروه انسانی نیازمند حمایت‌های بشر دوستانه هستند زیرا متحمل صدمات و رنج جانگاہ شده و لیخند زدن را فراموش کرده‌اند. این مسئولیت متوجه همه دولت‌هاست که از کمک به مهاجران و پناهجویان دریغ نوزند و تعهدات انسانی خود را به جای آورند و روحیه بشر دوستانه سازمان بین‌المللی صلیب سرخ را الگوی رفتاری خود قرار دهند (ساعد و کیل و دیگری، ۱۳۸۳: ۷۳).

¹ Anthropocene

بندواو اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی به حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر پرداخته و یادآوری می‌کند که باید تلاش کرد که رنج‌های بشری را کاهش داد و هر نوع کمک و پشتیبانی را که لازم است به آن‌ها ارائه داد تا به زندگی متعارف و سالم خود بازگردند و شأن انسانی شان حفظ و حمایت گردد (همان منبع: ۱۳۵).

ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ این حق را به پناهنده داده که در برابر مخاطرات گوناگون و هولناک در جستجوی پناهگاه در دیگر کشورهای جهان باشد (مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۸۲: ۱۰). همین‌طور ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ مقرر می‌کند همه کشورهای عضو این میثاق متعهدند که خوراک و اسکان مکفی را برای بهبود وضعیت شهروندان مهیا کنند (همان منبع: ۵۲).

این همان هدف برجسته‌ای است «اعلامیه کنفرانس جهانی اسکان بشر ۱۹۹۶ استانبول» آن را در دستور کار اجلاس بین‌المللی قرار داد و آن داشتن محل قابل سکونت برای همه جهانیان و دستیابی به توسعه پایدار از طریق سکونتگاه‌های بشری در دنیای متمدن کنونی است که به سوی گسترش کلان شهرها و مگاپولیس گام برمی‌دارد (همان منبع: ۲۷۵).

بنابراین بر اساس این مقدمه در صدد هستیم به این سوال پاسخ دهیم که مقررات حقوق بین‌الملل در خصوص اسکان مجدد پناهجویان اقلیمی در مقصد چه آرمان‌هایی را پیگیری می‌کند؟

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق

شناخت رهیافت‌های حقوق بین‌الملل در پاسخگوئی به چگونگی اسکان مجدد پناهجویان اقلیمی در مقصد.

اهداف اختصاصی

۱. ارزیابی ابتکارات حقوق بین‌الملل در زمینه حل مشکل اسکان پناهجویان اقلیمی
۲. الگوسازی و تقویت حس همکاری در کشورهای واقع در مسیر پناهجویان اقلیمی برای کمک رسانی
۳. تثبیت وضعیت سرزمینی و حقوقی پناهجویان اقلیمی براساس مقررات حقوق بین‌الملل و موازین حقوق بشر
۴. توان‌مندسازی و ارتقاء سطح آگاهی جمعی ملل جهان برای پذیرش و کمک به هم‌نوعان آواره و نیازمند اسکان.
۵. بسترسازی فرهنگی برای انسانی کردن تعاملات با پناهجویان اقلیمی.

مبانی نظری

یکی از اساسی‌ترین مبانی نظری کمک به پناهیجویان و آوارگان اقلیمی احترام به حقوق بشر آن‌ها و موازین انسانی - حقوقی مربوط به آن‌ها است. بدین ترتیب حفظ کرامت بشری و تقدیس حیات وی اقتضاء می‌کند که جامعه بین‌المللی به بهبود شرایط زندگی آن‌ها توجه کرده و بی‌تفاوت از کنار آن نگذرد زیرا لازمه حفظ نظم عمومی بین‌المللی در دهکده جهانی موردنظر مارشال مک‌لوهان بهره‌مند شدن همه ملل جهان از منافع جهانی شدن است که پایه‌های اساسی آن صلح، توسعه، برابری، حذف فقر، عدالت اجتماعی و امید به آینده برای همه شهروندان جهانی است. به عبارت دیگر: یکی برای همه، همه برای یکی.

پیشینه تحقیق

کاترین میریام وایمن (۲۰۱۳)، استاد حقوق در مدرسه حقوق دانشگاه نیویورک در مقاله خود با عنوان پاسخ‌هایی به مهاجرت‌های اقلیمی چاپ شده در مجله حقوق محیط زیست هاروارد آورده که در سال‌های اخیر با تغییرات آب و هوا، نسل جدیدی از مهاجران به میزان ۲۰۰ میلیون نفر را تا سال ۲۰۵۰ شاهد خواهیم بود که ضرورت دارد که سیاست‌گذاری صحیح و تدوین اسناد چندجانبه الزام‌آور حقوقی کاملاً محسوس است. نویسنده بعد از بیان مقدمه‌ای کوتاه به زمینه‌های مهاجرت اقلیمی پرداخته و دو شکاف بزرگ حقوقی و بودجه‌ای را در حل این موضوع مشاهده می‌کند و اصول راهنمای چندی ارائه می‌دهد و با اشاره به اخلاق، کارکرد و احتمالات سیاسی به عنوان محدودیت‌های راه‌حل‌ها اشاره دارد و در نهایت به این نتیجه دست می‌یابد که باید اسناد جدید حقوقی چندجانبه‌ای نظیر کنوانسیون پناهندگی برای مهاجران اقلیمی باز تعریف و تصویب شود.

بونی دوچرتی و تایلر جیانانی (۲۰۰۹)، هر دو از مدرسه حقوق هاروارد و از فعالان علمی حقوق بشر در مقاله‌ای مشترک با عنوان پیشنهادی برای کنوانسیون پناهندگان تغییرات اقلیمی چاپ شده در مجله حقوق محیط زیست هاروارد تاکید دارند که تغییرات جوی در آینده بر زندگی میلیون‌ها نفر در قرن حاضر تاثیر خواهد گذاشت. این خطر به ویژه برای کشورهای که در سطح ارتفاع پائینی از دریا هستند بیشتر ملموس خواهد بود. آن‌ها نیز از فقدان موازین حقوقی راجع به این نوع پناهندگان اظهار تاسف کرده و تصریح می‌کنند که یک حس مشترک بین دول جهان وجود دارد که با اجماع جمعی به سوی تعریف نوآورانه‌ای از پناهندگان اقلیمی گام بردارند و تضمین‌هایی برای کمک به پناهندگان اقلیمی تعیین شود. نویسندگان سپس در فراز بعدی به شاخصه‌های تعیین وضعیت پناهندگان اقلیمی، حمایت‌های حقوق بشری، کمک‌های بشردوستانه، مسئولیت دول میزبان و میهمان، همکاری‌های بین‌المللی، صندوق جهانی، نهاد هماهنگ کننده و تشریک مساعی دانشمندان متخصص به صورت گذرا پرداخته‌اند.

رابین کاندیس کریگ (۲۰۱۲)، استاد حقوق دانشگاه یوتا در مقاله خود با عنوان حکومت‌های اقیانوسی در قرن ۲۱ ساخت مناطق دریایی برای سازگاری با تغییرات اقلیمی چاپ شده در مجله حقوق محیط‌زیست

هاروارد را پیشنهاد کرده و اعلام می‌کنند که باید ساختارهای دریایی تهیه کرد که قادر به سازگاری با تغییرات اقلیمی باشند. او مناطقی را پیش‌بینی می‌کند که مورد امکان سنجی قرار گیرد و بعد ملاحظات دیگر را با حفظ بقاء اکوسیستم در نظر دارد نظیر استرالیا و نهایتاً در نظر گرفتن سایر اقیانوس‌های جهان برای آزمودن این فرضیه است که مناطقی را به صورت پیشگیری تعیین کنیم برای زمانی که با بحران‌های اقلیمی مواجه خواهیم شد.

جواد صفایی (۱۳۷۴)، در کتاب خود تحت عنوان توسعه و تحول حقوق پناهندگان بعد از ذکر تاریخچه‌ای از پناهندگی در تمدن‌های باستانی و ادیان مسیحیت و اسلام به صورت نوستالژی به پیشینه پناهندگی در گذر زمان پرداخته و تحولات این پدیده حیاتی را در برخی از کشورها بر شمرده است. نویسنده سپس به چالش‌های جهانی پناهندگان پرداخته و ضرورت تدوین رهیافتی قابل قبول و انسانی در سطح روابط بین‌الملل را تشریح کرده و تحول بنیادین و باز تعریف مجددی از پناهنده و پناهندگی را در هزاره سوم مد نظر دارد و در نهایت به این نتیجه رهنمون شد که حل مشکل پناهندگان راه‌حل‌های جهانی را می‌طلبد در غیر این صورت و با استمرار بی‌تفاوتی باید پذیرای تبعات ناخوشایند امواج پناهجویان بود.

حمید نظری تاج‌آبادی (۱۳۶۹)، در کتاب بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی به سوابق تاریخی و انگیزه‌های پناهندگی در دنیای غرب، ایران و اسلام پرداخته و ضمن ارائه تعریفی از پناهنده و پناهندگی به تشریح حقوق پناهندگان مبادرت ورزیده و کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان را نهادهی ارزشمند و مبتکر در زمینه حقوق پناهندگان شناخته و در ادامه به کودکان پناهنده و زنان پناهنده و مهاجرین پناهجوی قاچاقی از مسیر دریا اشاره دارد و چالش‌های دولت پذیرنده را در سه سطح عادات اخلاقی پناهندگان، واکنش مردم بومی در قبال پناهندگان و سیاست‌گذاری دول پذیرنده را ذکر کرده و در آخر اذعان دارد که جامعه بین‌المللی با دو رویکرد تمهید ساز و کار حقوقی و افزایش حساسیت و احتیاط در قبول پناهجویان مواجه است و دولت‌ها اولویت خود را خود دریافت کمک‌ها از نهادهای امداد رسانی بین‌المللی قرار داده‌اند و بسته به شرایط، تصمیمات انقباضی و یا انبساطی راجع به پذیرش یا اخراج پناهندگان اتخاذ می‌کنند.

ابراهیم موسی‌زاده و رزیتا کهریزی (۱۳۹۶)، مولف کتاب بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین‌الملل به تشریح موضوع مهاجرت، پناهنده و حقوق پناهندگان پرداخته و نقدکنوانسیون حقوق پناهندگی ۱۹۵۱ مدنظر قرار داده و ابعاد این پدیده را بسیار فراتر از تصورات ترسیم می‌کند، نویسندگان در فراز بعدی مباحثی از دیدگاه‌های دین اسلام راجع به حقوق پناهندگی به ویژه سیره معصومین (علیه السلام) را در این باب به زیور طبع آراسته و حقوق و تکالیف پناهندگان را بر شمرده است و نقش بی‌بدیل حقوق بین‌الملل را در حمایت از پناهندگان غیر قابل انکار دانسته به ویژه نسبت به گروه‌های آسیب‌پذیری چون زنان و کودکان پناهجو و آواره را.

فاطمه کیهانلو (۱۳۹۰)، در کتاب پناهندگی نظریه‌ها و رویه‌ها بعد از بیان دلایل پناهندگی که شامل ترس، آزار و تبعیض می‌باشد به بیان رویکردهای حمایت از پناهندگان در مقررات بین‌المللی و منطقه‌ای، دیدگاه‌های قضائی ملی و منطقه‌ای چون دادگاه اروپایی حقوق بشر پرداخته و بعد از مطرح کردن دلایل پناهندگی، عضویت در یک گروه اجتماعی و طرز تفکر سیاسی را برجسته‌تر از همه شناخته و رایج‌ترین موارد دعاوی پناهندگان در محاکم قضایی را به صورت خلاصه بر شمرده و نتیجه گرفته که توجیحات حمایت از موازین حقوق بشری را در موضوع پناهندگی پیشگام دانسته و افق درخشانی را برای رعایت حقوق پناهندگان در دهه‌های آینده هزاره سوم پیش‌بینی نموده است.

آرامش شهبازی و امیرچهل امیرانی (۱۳۹۵)، در کتاب حمایت از مهاجران غیر قانونی در حقوق بین‌الملل به تشریح مبانی مهاجرت غیر قانونی پرداخته و پناهجویان، پناهندگان و آوارگان را در فهرست تقسیم‌بندی مهاجران قرار داده است. نویسندگان در فراز بعدی به دلایل مهاجرت غیر قانونی اشاراتی دارند و اقدامات کشورها در سطح جهانی و اتحادیه اروپا را بر شمرده و مهاجرین غیرقانونی را تحت حمایت ساز و کارهای حقوقی قرار داده و روند تحولات بین‌المللی ارتقاء حقوق پناهندگان را به صورت قالب سازمانی توضیح داد و در نهایت به سیاست‌گذاری اتحادیه اروپا در مقابله با موج مهاجرت‌های غیر قانونی اشاره دارد و نتیجه گرفته که مهاجرت حتی اگر غیرقانونی نیز انجام شده باشد نمی‌تواند بهانه‌ای برای محروم کردن‌شان از دست‌یابی به حداقل‌های حقوق بین‌الملل و حقوق بشر باشد.

فرشید سرافراز (۱۳۹۴)، در کتاب حقوق بشر مهاجران در نظام حقوق بین‌الملل، کیت جاسترام و مارلین آکی رون در کتاب حمایت از پناهندگان راهنمایی بر حقوق بین‌المللی پناهندگان، امیر حسین زنجیریان و نفیسه ازغنده‌پور (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با نام پدیده دولت‌های درحال غرق: چاره‌اندیشی‌هایی از نظرگاه حقوق بین‌الملل و سید فضل‌الله موسوی و معصومه سادات میرمحمدی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان تغییرات جوی: تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی هریک به نوعی به پدیده پناهندگی و آوارگی اشاراتی داشته و همکاری جمعی همه کشورهای عضو جامعه بین‌المللی را مهم‌ترین راه‌حل معضل سنتی پناهندگان بر شمرده‌اند.

بستر جغرافیایی مهاجرت

منظور از بستر جغرافیایی مهاجرت مناطقی است که شاهد بیشترین مسیرهای مهاجرتی می‌باشد که این جاده به طور متعارف از نیمکره جنوبی به نیمکره شمالی و از کشورهای فقیر و عقب‌مانده به کشورهای ثروت‌مند و صنعتی است. بدین ترتیب در یک تقسیم‌بندی احتمالی می‌توان کشورهای دنیا را در چهار گروه مطالعه کرد که شامل جهان اول، دوم، سوم و چهارم خواهد شد. جهان اول شامل کشورهای ابرقدرت صنعتی و پیشرفته‌ای است که دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد. جهان دوم در بر گیرنده کشورهای توسعه یافته‌ای هستند که از درآمد سرانه بالایی برخوردارند و فقر و عقب‌ماندگی

برای آن‌ها مفهومی ندارد. جهان سوم شامل اکثریت کشورهای جهان است که به کشورهای صادر کننده تک محصولی یا چندمحصولی مشهورند و جهان چهارم شامل کشورهایی است که درگیر بحران، تروریسم، جنگ‌های داخلی و مرزی با دیگر همسایگان‌شان هستند که به صورت مستمر صدای گلوله و شلیک توپ به گوش می‌رسد. از نظر ارزیابی ساختار مهاجرت در جهان بیشترین مهاجران از مردم جهان سوم و چهارم به کشورهای جهان اول و دوم می‌باشد که به دلایل مختلف در مسیر مهاجرت قرار گرفته‌اند که در این اواخر مشکلات زیست محیطی از جمله تغییرات اقلیمی در حد فاجعه آنان را از خانه و کاشانه خود آواره کرده و امکان بازگشت آن‌ها غیر ممکن خواهد بود. به گزارش سازمان ملل متحد جمعیتی در حدود ۱۲/۸۰۰/۰۰۰ نفر به دلایل مختلف در کشور خود بی‌خانمان شده و همانند کولی‌ها دائماً در حال سفر توام با فقر، رنج و گرسنگی و بیماری هستند. کشورهای کلمبیا، اوگاندا، سری لانکا و ساحل عاج از جمله این سرزمین‌ها هستند (سازمان ملل متحد، اداره اطلاعات همگانی، ۱۳۸۸: ۲۵۸). رقم دقیق پناهجویان تا پایان سال ۲۰۰۳ میلادی، ۳۳ میلیون نفر می‌باشند که در آفریقا، آسیا، اروپا، آمریکای لاتین، کارائیب و اقیانوسیه و تحت نظارت کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان هستند (همان: ۲۵۹). تا آخر سال ۲۰۰۶ میلادی کشور آفریقای جنوبی مقصد بسیاری از این پناهجویان به ویژه در قاره سیاه آفریقا است (همان: ۲۶۰). کشورهای روم، یونان، مصر و ایران در عهد باستان مقصد نهایی پناهندگان بودند که با ورود به این سرزمین‌ها از مجازات مصون بودند (موسی‌زاده و دیگری، ۱۳۹۶: ۷). هم اکنون مردم جزایر مارشال، مالدیو، تووالو و کیریباتی در حال ناپدید شدن زیر آب‌های در حال افزایش اقیانوس‌ها هستند و قطعاً ساکنین این کشورهای ذره‌ای در آینده (شاید تا ۲۰ سال) به خیل مهاجران اقلیمی خواهند پیوست (رنجبریان و دیگری، ۱۳۹۱: ۸۳)، و تا چند دهه آینده شاهد تغییر نقشه جمعیتی مهاجران خواهیم بود و مهاجرت به دلایل خشکسالی و تغییرات اقلیمی مردم بسیاری را در جهان بی‌خانمان و مهاجر خواهد ساخت و به مشکلات جامعه بین‌المللی بیش از پیش افزوده خواهد شد مگر آن‌که در سراسر جهان زمینه تحقق عدالت جهانی فراهم شده و با فرهنگ‌سازی جمعی به جای مقابله با هم موفق به برطرف شدن تهدیدات جهانی که چندان زیاد نیز نیستند باشیم.

مفهوم مهاجران اقلیمی

با لحاظ بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان که سال ۱۹۵۱ تصویب شد مهاجر اقلیمی نیز با اندکی اغماض جزو پناهندگان می‌باشد و آن شاخصه خاص که در تعریف مزبور نیامده وقوع تغییرات آب و هوایی و از دست دادن مسکن خود برای همیشه است. مطابق بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون فوق‌الذکر «پناهنده به شخصی اطلاق می‌گردد که در نتیجه حوادث قبل از یکم ژانویه ۱۹۵۱ و به علت ترس موجه از این که به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت

ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برد نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور به آن کشور بازگردد» (مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۸۲: ۱۸۶). سازمان ملل متحد نیز با احتساب پناهندگان به عنوان آوارگان داخلی اعلام می‌کند که آن‌ها اشخاصی هستند که تحت شرایط اضطرار و بالاجبار خانه‌های خود را ترک کرده‌اند تا از مخاصمات مسلحانه، خشونت‌های جمعی، نقض‌های فاحش حقوق بشر و مصائب محیط زیست و هر نوع معضل به وجود آمده در نتیجه عملکرد بشر اجتناب و جان خود و خانواده‌شان را نجات دهند، با یادآوری این مطلب که این بی‌خانمانی و مسافرت‌های اجباری در کشور محل وقوع این حوادث انجام می‌شود (سازمان ملل متحد، اداره اطلاعات همگانی، ۱۳۸۸: ۲۵۸). همین‌طور سازمان ملل در فرازی دیگر پناهجویان را شامل کسانی احتساب می‌کند که با خروج از کشور محل سکونت خود وفق بند ۱ ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تقاضای اقامت در کشوری را به عنوان پناهنده دارد که این درخواست در حال رسیدگی است و هنوز به عنوان پناهنده مورد شناسایی از سوی دولت مورد تقاضای اقامت قرار نگرفته است (همان: ۲۶۰). برخی از پژوهشگران آواره اقلیمی را شخصی قلمداد می‌کنند که به سبب مشکلات درآمدی امکان زندگی را در کشور خود از دست داده و مجبور به خروج از آن برای کوتاه مدت یا همیشگی خواهند بود (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۸۷). البته در مبنای شروع مهاجرت‌های اقلیمی که ناشی از تخریب محیط زیست و غیرقابل سکونت شدن سرزمین محل اقامت است مداخلات انسانی یا طبیعی بودن بلایای طبیعی فرقی نخواهد کرد چرا که نتیجه هر دو فرآیند فوق‌الذکر اجبار بر خروج از محل اقامت قبلی و بی‌خانمان شدن است. با لحاظ کردن ترس که عامل آغاز خروج از کشور محل اقامت است برخی از علمای حقوق به جای واژه پناهندگان اقلیمی، کاربرد عباراتی چون مهاجران یا آوارگان اقلیمی را مناسب‌تر می‌دانند که چندان دور از واقعیت نیست (رنجبریان و دیگری، ۱۳۹۱: ۸۸)، و به نظر می‌رسد که با توجه به عناوین گوناگونی که در مورد فراریان از بلایای طبیعی، می‌توان از واژه پناهجویان اقلیمی یا آب و هوایی در رابطه با آنان استفاده کرد زیرا ویژگی‌های آوارگی، مهاجرت و پناهنده‌گی تا اندازه‌ای در مورد آن‌ها قابل مشاهده است به این جهت که ترس عامل شروع مهاجرت آنان است. برخی دیگر از پژوهشگران از عبارت مهاجران اقتصادی برای این دسته از بی‌خانمان استفاده می‌کنند و خروج داوطلبانه از محل اقامت قبلی خود به دلیل تغییرات جوی و آب و هوایی یا دیگر دلایل شخصی را در تدوین این تعریف مورد توجه قرار می‌دهند. از نظر ایشان این عوض کردن محل سکونت ناشی از توجیحات اقتصادی و معیشتی است (نظری تاج‌آبادی، ۱۳۶۹: ۴۱). برخی نیز برای مشخص کردن وضعیت اینگونه اشخاص، اختیاری یا اجباری بودن ترک محل سکونت را ملاک تفکیک پناهنده از مهاجران و آوارگان شناخته‌اند (سرافراز، ۱۳۹۴: ۳۲). اعلامیه کارتاخنا مصوب ۱۹۸۴ اجلاس نمایندگان کشورهای آمریکای لاتین مورد تهدید قرار گرفتن حیات و امنیت را از دلایل پناهنده شناخته شدن معرفی کرده که با وصف فوق مهاجران اقلیمی یا پناهجویان آب و هوایی را نیز قطعاً شامل می‌گردد

(جاسترام و دیگری، بی‌تا: ۱۴)، و کنوانسیون حقوق پناهندگان ۱۹۵۱ در مورد تاثیر بلایای زیست محیطی و آوارگی ناشی از به زیر آب رفتن محل سکونت یا خشکسالی زمین‌های کشاورزی یا رانش زمین و زلزله‌های آتشفشانی مطالبی ندارد و از این جهت اصلاح کنوانسیون فوق یا تصویب کنوانسیون جدیدی ویژه آوارگان و مهاجران اقلیمی ضرورتی غیر قابل انکار است (موسی‌زاده و دیگری، ۱۳۹۶: ۶). سازمان ملل متحد مهاجران اقلیمی را که در عمل بی‌خانمان محسوب می‌شوند اشخاصی معرفی کرده که برای مدت زمان نامشخصی فاقد پناهگاه برای اقامت هستند (گرجی ازندیانی و دیگری، ۱۳۹۳: ۷۴). در عین حال با توجه به کثرت مهاجران اقلیمی به نظر می‌رسد که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان یک جمعیت خاص یا گروه اجتماعی ویژه شناسایی و تحت حمایت مقررات حقوق بشری نظیر حق بر مسکن مناسب قرار داد (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۲۹۵). فرهنگ آکسفورد مهاجر و پناهنده را از هم تفکیک کرده به این ترتیب که به شخصی که قصد جابجایی موقت یا دائمی در داخل کشوری را دارد مهاجر اطلاق کرده و پناهنده را کسی می‌شناسد که خروج از کشور بر مبنای اکراه و برای پرهیز از مخاصمات جنگی، آزار و خشم طبیعت و محیط زیست می‌باشد (شهبازی و دیگری، ۱۳۹۵: ۳۴).

عوامل ازدیاد مهاجران اقلیمی

برخلاف پدیده پناهندگی که ترس و آزار دلیل ترک کشور محل اقامت است در افزایش مهاجرت‌های اقلیمی عوامل دیگری دخیل هستند که هر یک به نوعی با عملکرد و سوء استفاده انسان‌ها از محیط زیست توأم است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به حفاظت از محیط زیست به آن اشاره شده است. مطابق اصل بیست و یکم اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ «دولت‌ها، بر طبق منشور سازمان ملل و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهره‌برداری از منابع‌شان، مطابق سیاست‌های محیط زیستی خود می‌باشند و مسئولند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آن‌ها موجب ورود زیان به محیط زیست کشورها یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی آن‌ها نگردد» (تحقیقی از دانشگاه هاروارد در مجله حقوقی هاروارد Harvard Law Review، ۱۳۸۰: ۳۶۷).

اما هر ساله شاهد پدیده‌هایی زیست محیطی هستیم که با دخالت انسان یا به وجود می‌آید یا تشدید می‌شوند از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل به عنوان بلایای طبیعی با توان صدمه زنده بالا اشاره کرد:

۱. ذوب شدن یخچال‌های قطب شمال و جنوب
۲. افزایش جریان سیلاب‌ها و عبور از مناطق مسکونی
۳. گرم شدن دمای زمین به دلیل افزایش صنایع بدون ارزیابی زیست محیطی
۴. آتش سوزی عمدی و غیر عمدی جنگل‌ها (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۹۱).
۵. سوزاندن زباله‌ها در شهرها
۶. افزایش استفاده از سموم کشاورزی در همه مزارع و باغات

۷. جنگل تراشی و احداث پیست‌های اتومبیل‌رانی
۸. بیابان‌زایی
۹. سوء استفاده از زمین و کشت بلافاصله محصولات زراعی بدون توجه به قدرت باروری خاک
۱۰. صید بی‌رویه آبزیان در همه دریاها و اقیانوس‌های جهان
۱۱. افزایش آزمایشات هسته‌ای برخی از کشورها در صحاری و دشت‌ها
۱۲. فقیر شدن خاک در اثر ورزش بادهای گرم و سوزان
۱۳. تخلیه انواع فاضلاب‌های کشاورزی و صنایع به دریاچه‌ها و تالاب‌ها
۱۴. تبدیل شدن اقیانوس‌ها و دریاها به دپوی زباله
۱۵. شور شدن آب‌های شیرین در اثر تبخیر بیش از حد مجاز
۱۶. رانش زمین در اثر استفاده بیش از حد از ژرفاب‌ها و آب‌های زیر زمینی باستانی
۱۷. کاهش ضخامت لایه ازن در نتیجه رهاسازی گازهای CFC و دیگر گازهای مخرب به اتمسفر
- زمین
۱۸. سدسازی بی‌رویه در نواحی مختلف سرزمین‌ها بدون توجه به عواقب زیست محیطی و انسانی، گیاهی و جانوری آن
۱۹. افزایش آفات کشاورزی و به کارگیری سموم غیر قابل تجزیه در کوتاه مدت که موجب از بین رفتن ترکیبات متعادل خاک میگردد
۲۰. افزایش جمعیت جهان
۲۱. فقر، بیکاری و گران شدن هزینه تولید غذا و صدها عامل دیگر که همه آن‌ها به نوعی با عملکرد انسان در ارتباط است
۲۲. جابجایی الگوهای آب و هوایی به ویژه بارش نزولات (برف، باران، تگرگ) جوی (موسوی و دیگری، ۱۳۹۲: ۱۷۰)
۲۳. رشد مصرف سوخت‌های فسیلی در بسیاری از نقاط جهان
۲۴. دود متصاعد از آگزوز خودروها در جاده‌های شهری و جاده‌ای کشورهای دنیا.
- همه این موارد می‌تواند موجب جابجایی گسترده تجمعات انسانی شده و برافزایش میزان پناهندگان تاثیرگذار باشد (موسی‌زاده و دیگری، ۱۳۹۶: ۲۲). همان طور که کمیته نوبل در سال ۲۰۰۷ اعلام داشت تغییر شرایط آب و هوایی قادر است که موجب به خطر انداختن حیات بشریت گردد و مهاجرت‌های گسترده‌ای را در آینده نزدیک رقم زند. گزارشات نشان می‌دهند که فقط در سال ۲۰۰۸ در نتیجه مصایب طبیعی بیش از ۲۰ میلیون نفر به تعداد آوارگان و پناهندگان جهان افزوده شده است (سرافراز، ۱۳۹۴: ۹۶).

تدابیر دولت‌ها برای اسکان مجدد مهاجران اقلیمی

دولت‌ها به طور متعارف باید نسبت به ایفاء سه وظیفه یا تعهد اقدام کنند که عبارتند از: وظایف حاکمیتی، وظایف بین‌المللی و وظایف انسانی. وظایف حاکمیتی دولت‌ها به زمام‌داری یا حکومت مطلوب است که اکنون همه کشورها به سوی آن حرکت می‌کنند یعنی حاکم موظف به حفاظت از نظم عمومی جامعه و پاسداری از اخلاق حسنه و تلاش برای حاکمیت قانون در روابط اجتماعی است که وظیفه مقدسی برای دولت‌ها محسوب می‌شود. وظایف بین‌المللی همان تعهداتی است که بر اساس معاهدات، کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها، میثاقین، پروتکل‌ها، منشور و اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی عام بر دوش اعضای نهاده شده که شامل پرهیز از جنگ، منع تهدید و توسل به زور، حل دوستانه اختلافات و سوء تفاهمات بین‌المللی به ویژه از مسیر داد و ستد و تجارت و مراقبت از ارزش‌های اصیل بین‌المللی است به همان نحوی که ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل مقرر کرده و ما از آن به عنوان تعهدات عام‌الشمول^۱ در مقابل جامعه بین‌المللی در کلیت خود^۲ نام می‌بریم و وظایف انسانی شامل رعایت موازین حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد که شامل احترام دولت‌ها به حق حیات، حق ازدواج، حق اشتغال، حق سفر، حق بر محیط زیست سالم، حق بر صلح، حق داشتن مسکن، حق داشتن تشکلهای صنفی و ده‌ها حق جدید دیگر است که در نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری به شرح ذیل آمده است:

نسل اول: حقوق مدنی - سیاسی

نسل دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

نسل سوم: حقوق همبستگی یا توسعه پایدار

همه کنوانسیون‌های حقوق بشری اساس کار خود را بر حمایت از نوع بشر اعلام کرده‌اند و تبعه بودن یا بیگانه بودن هیچ تاثیری در حقوق آن‌ها ندارد. البته برخی از علمای حقوق تصریح کرده‌اند که در مورد بیگانگان باید اهلیت تمتع از حقوق را در سه‌گونه حقوق سیاسی، حقوق عمومی و حقوق خصوصی بررسی کرد، اساساً کشورها، بیگانگان را از حقوق سیاسی محروم می‌نمایند (نصیری، ۱۳۷۲: ۱۰۲). در مورد حقوق عمومی اجازه بهره‌مندی از این حقوق را به بیگانه هم اعطاء می‌کنند (همان: ۱۰۵)، و در مورد حقوق خصوصی اصل جواز است مگر این که در خود قانون ممنوعیت و یا استثناهایی وجود داشته باشد (همان: ۱۱۴-۱۱۳). بنابراین دولت‌ها مکلفند از مهاجران اقلیمی همانند اتباع خود حمایت کنند و آن دسته از حقوقی را به اتباع خود اختصاص داده‌اند که در این جا منظور حقوق عمومی است به آن‌ها نیز ارزانی شود یا مسیر دستیابی به آن‌ها را هموار سازند که یکی از این حقوق، حق آوارگان و مهاجران به اسکان مجدد در سرزمین مورد درخواست مهاجر و آواره است. یک بار دیگر متذکر می‌شویم که به همان نحوی که بند ۵ اعلامیه کنفرانس جهانی اسکان بشر در استانبول ۱۹۹۶ بیان داشته اسکان انسان‌ها یک پروسه جهانی است (مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۸۲: ۲۷۶). دولت‌ها باید این حقیقت را بپذیرند که مهاجران و آوارگان

^۱ ErgaOmnes

^۲ International community as a whole

اقلیمی جزو اشخاص آسیب‌پذیر هستند که احتمالاً با فقر نیز دست به گریبانند و بی‌تفاوتی به این جمعیت صدمه دیده که در آن سوی سیم‌های خاردار مرزی در حال نگاه کردن با نگرانی از فردا هستند عملی منصفانه و انسانی نخواهد بود. به همین دلیل است که چندی قبل وزیر دارایی کشور بنگلادش عبدالمحیط از کشورهای صنعتی متمول جهان تقاضا کرد که بی‌خانمانان تغییرات آب و هوایی را در سرزمین‌های خود اسکان دهند (سرافراز، ۱۳۹۴: ۹۶). البته برخی از پژوهشگران بر این باورند که حق مسکن مینا و پایه اساس تحقق سایر حقوق بشری و فردی است و با زلزله و بی‌ثباتی و بی‌خانمانی و آوارگی این حقوق غیر قابل اجرا و رعایت خواهند ماند (گرگی ازندریایی و دیگری، ۱۳۹۳: ۵۵). بدین ترتیب وظایف دولت‌ها در زمینه مهاجران و آوارگان اقلیمی چهار مورد را شامل می‌شود که عبارتند از:

۱. وظیفه شناسایی حقوق بشر برای آوارگان اقلیمی
 ۲. وظیفه عملیاتی کردن اجرای موازین انسانی در مورد پناهجویان آب و هوایی
 ۳. وظیفه تهیه مقدمات برای نظارت بر تمتع مهاجران اقلیمی از حقوق اولیه انسانی
 ۴. بسترسازی فرهنگی برای پذیرش آوارگان اقلیمی در جوامع محلی
- بدین ترتیب دولت‌ها مکلفند سلامت جسمی، آموزش همگانی، غذای کافی و سالم، استقرار مجدد در سرزمین جدید و حمایت از دست‌یابی به توسعه پایدار را برای پناهجویان اقلیمی تضمین کنند و در پنج مرحله این تعهدات انسانی را به جای آورند که عبارتند از:

۱. پیشگیری از تخریب محیط زیست و غیر قابل سکونت شدن سرزمین‌ها
۲. آمادگی برای کمک‌های فوری بشردوستانه به مهاجران اقلیمی آسیب‌پذیر
۳. تخفیف آلام و درمان بیماری‌ها و امدادسانی به صورت غذا و دارو
۴. توان‌بخشی به اشخاص صدمه دیده از تغییرات آب و هوایی
۵. استقرار مجدد و اسکان پناهجویان اقلیمی در کانتینرها و چادرهای امدادی سازمان بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۹۱).

خوشبختانه برخی از کشورها نظیر مالدیو موضوع تغییرات جوی را جدی گرفته و در حال خرید املاک قابل سکونت از دیگر کشورها برآمده‌اند. کشور اندونزی نیز آمادگی خود را برای اجازه دادن قسمتی از املاک تحت حاکمیت خود به کشورهای در حال غرق شدن اعلام کرده است (رنجبریان و دیگری، ۱۳۹۱: ۱۰۴). احداث جزایر مصنوعی در مجاورت سواحل کشورها و با اجازه آن‌ها راه‌حل عاقلانه دیگری برای اسکان مهاجران اقلیمی است که خوشبختانه در عمل طرح موفق بوده و پاسخ مناسبی است به اسکان مجدد آوارگان تغییرات آب و هوایی (همان: ۱۰۵). دولت‌های مورد درخواست پذیرش مهاجران اقلیمی مکلفند با اخذ مشاوره‌های تخصصی از سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه پناهندگی فرآیند جذب این پناهجویان را تسریع کرده و با تسهیلاتی نظیر آموزش زبان محلی و ایجاد درآمد و شغل و بسترسازی فرهنگی از هیچ کمکی درمورد امدادسانی به آوارگان تغییرات جوی دریغ نورزند (نظری تاج‌آبادی، ۱۳۶۹:

۱۲۲). یکی دیگر از راه‌حل‌های مناسب برای اسکان و استقرار آوارگان تغییرات آب و هوایی شهرک‌سازی و بهره‌گیری از تانکرهای مستعمل نفت و گاز است که دیگر روانه دریاها نمی‌شوند و در امر حمل و نقل حضور ندارد برای اسکان آنهاست. به این ترتیب دستگاه‌های درون این تانکرها تخلیه شده و به جای آن واحدهای آپارتمانی ۷۰ متری ساخته شده و به بی‌خانمانان تحویل گردیده که به جهت این که با مردمان بومی کشورها درگیر نشوند بهتر است این کشتی‌های غول پیکر در فاصله ۵۰ تا ۱۰۰ مایلی سواحل لنگر انداخته و به زندگی خود بدون ترس و آزار ادامه دهند ضمن آن که تحت حمایت‌ها و بازدیدهای مکرر سازمان ملل قرار گیرند. شهرک‌سازی در جزایر غیر مسکونی و دور افتاده با آب و هوای معتدل و منابع آب شیرین و تلاش برای آموزش کشاورزی و باغداری یا تولید کالاهای صنعتی راه‌حل دیگری است که می‌توان از آن استفاده کرد. با توجه به تراکم اندک جمعیت در کشورهای پهناوری چون استرالیا می‌توان از این سرزمین یا سکونت در سیبری و قطب شمال و جنوب یا آلاسکا نیز به عنوان گمانه زنی راه‌حل‌ها مد نظر قرار داد.

وایمن با اظهار نگرانی از افزایش آوارگان تغییرات زیست محیطی اذعان داشته که تا سال ۲۰۵۰ میلادی ۲۰۰ میلیون نفر به تعداد آوارگان و مهاجران تغییرات زیست محیطی افزوده خواهد شد. او بر این باور است که ما مقررات و سیاست‌گذاری قابل قبولی برای مهاجران اقلیمی نداریم. از دیدگاه وی در مورد این پناهجویان ما با دو شکاف عمده مواجه هستیم که یکی از آنها شکاف بودجه و دیگری معضلات حقوقی است که هنوز راه حلی برای آنها نداریم (Wyman, 2013: 167).

دوچرتی و جیانی‌نی مشکل مهاجران اقلیمی را ناشی از فقدان تعریف برای پناهندگان تغییرات آب و هوایی می‌داند که در کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگی به آن کوچک‌ترین اشاره‌ای نشده است (Docherty and Giannini, 2009: 361). همین طور از نگاه آنان هیچ تضمینی برای کمک به پناهندگان تغییرات اقلیمی وجود ندارد (Ibid: 373).

کریگ ساخت پناهگاه‌هایی در مناطق دریایی و اقیانوس‌ها برای اسکان مهاجران اقلیمی را پیشنهاد می‌کند (Criag, 2012: 305)، و برای مثال استرالیا را به عنوان مطالعه موردی^۱ انتخاب کرده است (Ibid: 333). و در آخر نتیجه گرفته که می‌شود حتی در قطب شمال مناطقی سکونتی را برای پیشگیری احداث کرد تا در هنگام تغییرات هولناک آب و هوایی مهاجران اقلیمی را در آنها پناه داد (Ibid: 342). کریگ در مقاله‌ای تحت عنوان پنج اصل برای سازگاری با تغییرات اقلیمی و آب و هوایی و راه‌حل کاهش صدمات تغییرات اقلیمی را به شرح زیر برمی‌شمرد که عبارتند از: (Criag, 2010:9).

اصل اول: نظارت و مطالعه شبانه‌روزی اکوسیستم (Ibid: 40).

اصل دوم: حذف یا کاهش فشارهای ناشی از تغییرات غیر اقلیمی و بازگشت سریع به شرایط قبلی (Ibid: 43).

¹ Case study

اصل سوم: طرح‌هایی درازمدت برای افزایش هماهنگی‌های میان مطبوعات، بخش‌ها، ذی‌نفعان و حکومت‌ها (Ibid: 53).

اصل چهارم: تشویق به تدوین انعطاف‌پذیری در اهداف تنظیم مدیریت منابع طبیعی (Ibid: 63).
اصل پنجم: پذیرش واقعی این حقیقت که سازگاری با تغییرات اقلیمی سخت و دردناک است (Ibid: 69).
مشکل اساسی آوارگان، پناهجویان، پناهندگان و مهاجران آن است که بسیاری از کشورها هیچ علاقه واقعی برای حمایت از این افراد ندارند و از تأیید رسمی تعهدات خود در مقابل کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگان اجتناب می‌کنند و یا اصلاً تعهدات خود را فراموش کرده و از ایفای آن‌ها امتناع می‌نمایند (سایکس، ۱۳۹۴: ۴۵).

تدابیر سازمان ملل متحد برای اسکان مجدد مهاجران اقلیمی

مجمع عمومی سازمان ملل به صورت جدی در سال ۱۹۵۰ دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR) را تاسیس کرد و تاکنون به ۵۰ میلیون پناهنده امداد رسانی کرده است و موفق به دریافت جوایز صلح نوبل در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۸۱ گردید. سازمان در اسکان مجدد در کشورهای ثالث بسیار کارآمد بوده است. نیروهای داوطلب سازمان ملل در صدها عملیات امداد رسانی به پناهجویان حضور داشتند (سازمان ملل متحد، اداره اطلاعات همگانی، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۰). چند سال بعد در ۱۹۷۸ برنامه اسکان سازمان ملل متحد با هدف توسعه پایدار سکونتگاه‌های انسانی شکل گرفت که اقدامات خود را توسط ۵۸ عضو شورای اداره‌کننده انجام می‌دهد. این سازمان موفق شده به میلیون‌ها زاغه‌نشین کمک‌های موثری نماید، فقر موجود در شهرها را کاهش دهد، به قربانیان فجایع طبیعی امداد رسانی کند و برای شان آب و غذا تدارک ببیند و منابع مالی را به سوی ساخت سکونتگاه هدایت کند (همان: ۴۵). برنامه سکونتگاه‌های انسانی تلاش دارد که با توان‌مندی اداره‌کنندگان شهرها به یک اسکان امن دست یابد (همان: ۱۸۰). سازمان ملل متحد ۲۰ ژوئن را روز جهانی پناهندگان و ۱۸ دسامبر را روز بین‌المللی مهاجران نامید (همان: ۳۱۳-۳۱۴)، تا به کشورهای جهان یادآوری کند که پناهندگان و مهاجران را فراموش نکنند و از تلاش برای کاهش درد و رنج آن‌ها امتناع نمایند. بدین ترتیب در زمینه جلب توجه کشورها به موضوع تغییرات اقلیمی باید نسبت به سازمان ملل متحد ادای احترام کرد.

مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ۶۳/۲۸۱ در سال ۲۰۰۹ میلادی این حقیقت را صحنه گذاشت که تغییرات آب و هوایی موجب تهدید امنیت دولت‌های جهان خواهد شد و طی قطعنامه ۶۴/۳۵۰ مصوب ۲۰۰۹ به خطر غرق شدن کشورهای جزیره‌ای اشاره داشت که چه عواقب هولناکی از خود برجای خواهد گذاشت (رنجریان و دیگری، ۱۳۹۱: ۹۲). مجمع عمومی از کشورها خواست در اندیشه ایجاد پروسه سازگاری با تغییرات آب و هوایی باشند. همین طور شورای امنیت در سال ۲۰۰۷ میلادی این حقیقت را تأیید کرد که تغییرات آب و هوایی بر صلح جهانی تأثیرات مخربی خواهد گذاشت (همان: ۹۳). بدین ترتیب عملکرد

کمیساریای عالی پناهندگان در دو سطح کارکرد حمایتی از پناهندگان و امداد رسانی خلاصه می‌شود که اسکان مجدد یکی از دلمشغولی‌های دائمی این نهاد بشردوستانه است. این سازمان از کشورهای مقصد می‌خواهد که بعد از اعطای اجازه اقامت به پناهندگان در سرزمین جدید تلاش کنند آن‌ها را در اجتماعات محلی پوشش دهند (صفایی، ۱۳۷۴: ۷۴). از نظر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان با سه روش می‌توان به مشکلات پناهندگان پایان داد که شامل تشویق پناهنده به بازگشت به کشور مبدأ، ادغام در کشور جدید و اسکان در کشور ثالث است که برای مهاجران اقلیمی راه‌حل بازگشت امکان‌پذیر نیست چرا که دیگر سرزمینی برای آن‌ها وجود ندارد و محل سکون آن‌ها در طی زلزله یارانش زمین یا سیلاب و یا غرق شدن از بین رفته و فقط می‌توان به راه‌حل دوم و سوم اندیشید (موسی‌زاده و دیگری، ۱۳۹۶: ۷۲). به نظر می‌رسد که می‌توان تغییرات اقلیمی را به عنوان زمینه‌تهدید و یا نقض صلح و جزو صلاحیت‌های اساسی شورای امنیت به حساب آورد زیرا حیات نسل‌های آینده را نیز به خطر می‌اندازد (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۸۹). کمیته حذف تبعیض نژادی در آخرین تصمیم خود راجع به اسکان مجدد پناهندگان در سال ۲۰۰۴ اعلام داشت که در اعطای حق مسکن به شهروندان تبعه و شهروندان غیر تبعه هیچ تبعیضی روا ندارد (گرجی ازندریانی و دیگری، ۱۳۹۳: ۸۴). مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه شماره ۳۴/۶۰ مصوب ۱۹۷۹ تأکید کرد که از کشورهای عضو می‌خواهد با اخراج پناهندگان و آوارگان، در اندیشه عودت آن‌ها به کشورهایشان نباشند زیرا سرزمین و کشور محل اقامت سابق آن‌ها اکنون غیر قابل سکونت شده است (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹: ۵۲). جامعه بین‌المللی باید به مقابله با وضعیت‌هایی بر خیزد که موجب افزایش آوارگان و مهاجران اقلیمی می‌شود به ویژه تخریب و نابودی محیط زیست که با تغییرات الگوی کشاورزی و سوء استفاده از اکوسیستم توأم شده است و زیرساخت‌های توسعه پایدار و اسکان بشری را نشانه گرفته و به بی‌خانمانی دامن می‌زند (مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۸۲: ۲۷۶).

فرضیه‌های مطرح

- اسکان مجدد مهاجران اقلیمی منوط به تعریف و شناسایی آن‌ها در قالب یک کنوانسیون بین‌المللی نظیر کنوانسیون وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱ می‌باشد.
- ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل در حمایت از حقوق پناهندگان را می‌توان در مورد مهاجران اقلیمی هم نیز قابل تسری و اجرا دانست با همان اعتبار و همان ضمانت اجرایی حقوقی.

تعریف متغیرها

الزامات حقوق بین‌الملل

الزامات و بایسته‌های حقوق بین‌الملل آن دسته از مقرراتی هستند که برای تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی و رعایت موازین حقوق بشر و حرکت به سوی نظم عمومی بین‌المللی تدوین و تصویب شده که با ضمانت اجراهای گوناگونی توأم است که یکی از مصادیق بارز آن قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام است که گفته شده مطابق ماده ۵۳ عهدنامه حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹ وین «قاعده‌ای است که به وسیله اجماع جامعه بین‌المللی کشورها به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر که تنها توسط یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تعدیل می‌باشد، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است» (دولت‌شاه ۱۳۸۴: ۱۳۸).

مهاجران اقلیمی

به اشخاصی گفته می‌شود که به دلیل تغییرات هولناک محیط زیست نظیر تخریب یا خشکسالی و ده‌ها مورد دیگر زیست محیطی امکان اقامت در کشور خود را ندارند و به صورت آواره و بی‌خانمان از مرزهای بین‌المللی یا خارج از آن عبور کرده و به دنبال اسکان مجدد و امن با امکان معاش و سکونت دائمی هستند که برخی از پژوهشگران برجسته با استدلال اثبات می‌کنند که آن دسته از اشخاصی که به لحاظ تغییرات آب و هوایی و اجباراً کشور و سرزمین محل اقامت خود را ترک می‌کنند را باید جزء مهاجران اقلیمی به حساب آورد (رنجبریان و دیگری، ۱۳۹۱: ۸۸).

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، جنگ به قدمت حیات بشر سابقه داشته و هر زمان که با مذاکره و تجارت یا ازدواج بین نجبا اختلافات حل و فصل نمی‌شد سپاهیان در مقابل هم صف‌آرایی می‌کردند و این شمشیرها بود که نتیجه را مشخص می‌نمود با این حال همیشه تعدادی از غیر نظامیان قربانی جنگ‌ها می‌شدند و به صورت آواره و پناه‌جو راه بیابان‌ها را در پیش می‌گرفتند. این داستان حتی در هزاره سوم هم پایان نیافت و هم اکنون نیز جمعیت‌های فراوانی در نقاط مختلف جهان به صورت بی‌خانمان خانه و کاشانه خود را از ترس مرگ و قتل عام رها کرده و در جاده‌ها به سوی مناطق امن‌تر یا مرزهای بین‌المللی فرار می‌کنند درحالی که از هیچ امیدی برخوردار نبوده و ناامیدی بر ذهن و فکر آن‌ها سایه افکنده است به همان اندازه که ارتباطات جهانی و تجارت بین کشورها گسترش یافته تحریک‌پذیری بازارها و حیات بشری نیز بیشتر شده است به محض این که در نقطه از جهان کودتا یا شورش به وقوع می‌پیوندد یا دو کشور درگیر جنگ یا تروریسم می‌گردند قیمت سهام بازار کاهش یافته و بر تعداد بیکاران و اخراج شدگان افزوده می‌شود. در اکثر کشورهای مهاجرپذیر و آن‌هایی که به پناهندگان اسکان می‌دهند سیاست دوگانه و متضادی حاکم است به این نحو که هر زمان وضعیت اقتصاد جهانی در رونق و تجارت بین‌الملل در اوج است صحبت از

موازن حقوق بشر و مباحث بشردوستانه مطرح شده و مرزها به سوی پناهجویان گشوده می‌گردد اما به محض این‌که اندکی اوضاع تجارت نفت و گاز مختل می‌شود یا روابط برخی از کشورها خصمانه می‌گردد بر میزان احداث سیم خاردارها و ساخت دیوارهای مرزی و سکوهای مرزبانی و آرایش نیروهای نظامی در مناطق مرزی خود افزوده می‌شود. به راحتی می‌توان به همه آوارگان و مهاجران اسکان داد به ویژه مهاجران اقلیمی که دیگر سرزمین محل سکونت‌شان یا غرق شده یا به صورت کامل غیر قابل سکونت گردیده در نتیجه خشکسالی یا سیلاب یا تشعشعات هسته‌ای و انفجارات آتشفشانی و زلزله‌ها. اشتغال و اسکان در بسیاری از نقاط جهان یک مشکل جهانی است درعین حال کشورهایی مانند چین، کانادا و استرالیا هر دو مشکل را به راحتی حل کرده‌اند. به نظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی انسان‌ها به آن اندازه به عقلانیت دست یافته که اجازه ندهد که هموعان‌مان در شرایط سخت زندگی کنند و تنها با اندکی سخاوت و تدبیر و ملاحظت می‌توان به غرق شدن پناهجویان در دریاها و گرسنگی و بی‌خانمانی مهاجران و آوارگان پایان داد. نباید فراموش بکنیم که ما همان مردم ملل متحد هستیم که با تاسیس سازمان ملل متحد برای همیشه مانع وقوع جنگ جهانی سوم گردیده‌ایم، پس این ظرفیت و توانایی را داریم به ساده‌ترین شکل مهاجران اقلیمی را اسکان دهیم و آن‌ها را در شادی‌ها و امیدهای‌مان شریک گردانیم.

منابع

- بعیدی نژاد، حمید؛ دریایی، محمدحسن، و علی‌آبادی، مهدی. (۱۳۸۴). **تحول در ساختار نظام ملل متحد**. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ اول.
- تحقیقی از دانشگاه هاروارد در مجله حقوقی هاروارد Harvard Law Review. (۱۳۸۰). **حقوق بین‌الملل محیط زیست**. ترجمه: سید فضل‌الله موسوی. تهران: نشر میزان. چاپ اول. بهار.
- جاسترام، کیت؛ و آکی رون، مارلین. (بی‌تا). **حمایت از پناهندگان راهنمایی بر حقوق بین‌المللی پناهندگان**. ترجمه: فاطمه، کیهانلو. تهران: اتحادیه بین‌المجالس و دفتر کمیسر عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان.
- دولتشاه، حجت. (۱۳۸۴). **منتشور سازمان ملل متحد**. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد (انتشارات مجد). چاپ دوم.
- رنجبریان، امیرحسین؛ و ارغنده‌پور، نفیسه. (۱۳۹۱). پدیده دولت‌های در حال غرق: چاره‌اندیشی‌هایی از نظرگاه حقوق بین‌الملل. **مجله حقوقی بین‌المللی**. مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری. سال بیست و نهم، شماره ۴۶. بهار - تابستان.
- زارع، مهدی. (۱۳۹۶). ششمین انقراض بزرگ زمین در راه است؟ **مجله دانستنی‌ها**. شماره ۱۸۱. ۲۷ خرداد.
- سازمان ملل متحد، اداره اطلاعات همگانی. (۱۳۸۸). **سازمان ملل متحد در دنیای امروز**. ترجمه: علی، ایثاری کسمایی. تهران: آبارون. چاپ اول.
- سعد وکیل، امیر؛ و عسکری، پوریا. (۱۳۸۳). **نسل سوم حقوق بشر حقوق همبستگی**. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد (انتشارات مجد). چاپ اول.
- سایکس، پاتریک. (۱۳۹۴). دولت‌هایی که سرزمین آن‌ها به آرامی زیر آب می‌رود تغییرات زیست‌محیطی و موج جدید پناهجویان، ترجمه: الناز، علیزاده اشرفی. **ماهنامه اقتصادی شمال غرب کارایی**. سال هفتم، دوره جدید، شماره ۱۴، مهر و آبان.
- سرفراز، فرشید. (۱۳۹۴). **حقوق بشر مهاجران در نظام حقوق بین‌الملل**. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد (انتشارات مجد). چاپ اول.

- شهبازی، آرامش؛ و چهل امیرانی، امیر. (۱۳۹۵). **حمایت از مهاجران غیرقانونی در حقوق بین الملل**. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. چاپ اول.
- صفایی، جواد. (۱۳۷۴). **توسعه و تحول حقوق پناهندگان**. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ اول.
- کیهانلو، فاطمه. (۱۳۹۰). **پناهندگی نظریه‌ها و رویه‌ها**. تهران: انتشارات جنگل، جاودانه. چاپ اول.
- گرچی ازندریانی، علی‌اکبر؛ و فتحی، یونس. (۱۳۹۳). **حق بر مسکن مناسب**. تهران: انتشارات جنگل، جاودانه. چاپ اول.
- مرکز مطالعات حقوق بشر. (۱۳۸۲). **گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر**. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. نشر گرایش. چاپ اول.
- موسوی، سید فضل‌الله؛ و میرمحمدی، معصومه سادات. (۱۳۹۲). **تغییرات جوی: تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی**. **مجله حقوقی بین‌المللی**. مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری. سال سی‌ام. شماره ۴۹. پاییز - زمستان.
- موسی‌زاده، ابراهیم؛ و کهریزی، رزیتا. (۱۳۹۶). **بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین‌الملل**. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.
- میرترابی، هدیه سادات؛ طیبی، سبحان؛ و جم، فرزین. (۱۳۹۵). **چالش‌های حقوق بشری در قبال آوارگان در پرتو تغییرات آب و هوایی (مسئولیت، ابزارها و رژیم بین‌المللی)**. **در کتاب رهیافت‌های نوین در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست**. با دیباچه سید فضل‌الله موسوی و علی مشهدی و به اهتمام سبحان طیبی. تهران: انتشارات خرسندی. چاپ اول.
- نصیری، محمد. (۱۳۷۲). **حقوق بین‌الملل خصوصی جلد (اول) و (دوم)، کلیات، تابعیت، اقامتگاه، وضع اتباع بیگانه و تعارض قوانین و دادگاه‌ها**. تهران: موسسه انتشارات آگاه. چاپ اول (ویرایش دوم). پاییز.
- نظری تاج‌آبادی، حمید. (۱۳۶۹). **بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی**. تهران: چاپخانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول.
- Craig, RK. (2012). OCEAN GOVERNANCE FOR THE 21ST CENTURY: MAKING MARINE ZONING CLIMATE CHANGE ADAPTATION. V. 36, NO. 2. **Harvard Environmental Law Review**.
- Craig, RK. (2010). STATIONARITY IS DEAD—LONG LIVE TRANSFORMATION: FIVE PRINCIPLES FOR CLIMATE CHANGE ADAPTATION LAW. V. 34, NO. 1. **Harvard Environmental Law Review**.
- Docherty, B. & Giannini, T. (2009). CONFRONTING A RISING TIDE: A PROPOSAL FOR A CONVENTION ON CLIMATE CHANGE REFUGEES. V. 33, No. 2. **Harvard Environmental Law Review**.
- Wyman, KM. (2013). RESPONSES TO CLIMATE MIGRATION. V. 37, NO. 1. **Harvard Environmental Law Review**.